

مراتب اخلاقی هندوئیسم؛ چالش‌ها و الگوی صحیح از منظر اسلام

reza.shaer@gmail.com

محمد رضا اسدی / دانش‌پژوه دکتری ادیان و عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)

پذیرش: ۹۷/۲/۲۶

دریافت: ۹۶/۱۲/۱۵

چکیده

اخلاق، سامانه‌ای است که بر پیروان خود حاکم می‌شود و رفتارهای آنان را در مسیری خاص هدایت می‌کند. اما این مسئله که آیا دستورات اخلاقی، نسبت به جنسیت‌ها، اقشار و سنین مختلف، ثابت است یا متغیر، و در صورت متغیر بودن، وظیفه هر گروه چیست، موضوعی اختلافی در میان ادیان است. هندوئیسم، با تعیین مراتبی با عنوان اصول آشرمه، اخلاق را دارای مراتبی دانسته، برای هر مرتبه، گروه‌هایی را با وظایفی خاص معرفی می‌کند. این مقاله درصدد است با بررسی تحلیلی این آموزه هندوئی، آن را از منظر خود هندوئیسم و آن‌گاه از دیدگاه اسلام، مورد ارزیابی قرار داده، سپس الگویی صحیح را در این زمینه ارائه نماید. یافته‌های پژوهشی حاکی از این است که مراتب هندوئی با چالش‌های درون‌آیینی و برون‌آیینی جدی روبه‌رو بوده، نظر صحیح، کلی و ثابت بودن اصول اخلاقی برای همگان، در همه زمان‌ها و مکان‌ها است؛ اصولی که البته نسبت به توان و ظرفیت افراد، شدت و ضعف دارد و افراد به تناسب ظرفیت‌های خود، می‌توانند آنها را به اجرا بگذارند.

کلیدواژه‌ها: هندوئیسم، اصول آشرمه، ونپرسته، سانیاسی، مراتب اخلاقی، اسلام، رهبانیت.

مقدمه

اخلاق به عنوان یکی از ضروری‌ترین نیازهای حیات فردی و اجتماعی بشر، همواره در کانون توجه ادیان قرار داشته، اما گاه، تفاوت‌های آشکاری در راهبردها و شیوه‌های عملی آن به چشم می‌خورد. هندوئیسم و اسلام، در میان آیین‌هایی است که نگاهی متفاوت در این زمینه دارند. هندوئیسم با رتبه‌بندی سنی، جنسیتی و اجتماعی افراد و تعیین مراحل به عنوان مراتب اخلاقی، که مبتنی بر نظام کاستی است، اصول آشرمه را معیار رفتارها و بایسته‌های اخلاقی معرفی می‌کند. در حالی که اسلام با واکنشی آشکار به چنین رویکردهایی و اعلام نادرست بودن این مرزبندی‌ها، اصول و قواعد اخلاقی را برای همگان، در هر سن، جنس و طبقه اجتماعی مشترک و ثابت دانسته، تنها سطح توانایی افراد را در عمل به این اصول و قواعد مشترک دخیل می‌داند. نامقبول بودن سنت کاستی در هندوئیسم، موجب شده است که مبارزه با نظام طبقاتی، به عنوان یکی از شعارهای اصلی در انقلاب هند مطرح شده، این سنت در محاق قرار گیرد.

بر اساس وظایفی که در چهار مرتبه اخلاقی هندوئیسم تعیین می‌شود، هندو در بعضی از مراحل، تلاش می‌کند با فراگیری چگونه زیستن و تشکیل خانواده، به دیگران مهر بورزد. در بعضی از این مراحل نیز بر این امر همت می‌گمارد که از خود و خوشی‌های خود جدا شود. بنابراین، می‌توان گفت: مراتب اخلاقی هندو، قاعده‌ای است که بر دو اصل مهم در هندوئیسم، یعنی مهربانی به دیگران و رهیدن از «من» استوار است. از منظر هندوئیسم، رعایت این الگو می‌تواند به فرد کمک کند که به مکشه؛ یعنی رهایی از چرخه تولد دوباره (تناسخ) برسد (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۴۶). اگرچه این الگوی اخلاقی، یک نظام قواعد لازم‌الاجرا نیست و در واقع، توصیه‌ای برای هندوان است که به آن عمل کنند (همان، ص ۴۶) و ضمانت اجرای چندانی نیز برای آن در نظر گرفته نشده است، اما از آنجاکه این مراتب، به عنوان بهترین الگوی اخلاقی از جانب هندوئیسم مطرح شده است، لازم است میزان ارزش آن، چالش‌های فراروی آن و علت مخالفت‌های اسلام با چنین رویکردی، مورد بررسی قرار گیرد. پیش از ورود به بحث اصلی، توضیح چند واژه کلیدی ضروری به نظر می‌رسد.

مفهوم‌شناسی پژوهش

۱. اخلاق

«اخلاق» جمع «خُلُق» به معنی صفت و ویژگی باطنی است، در برابر خَلَق، که به معنای ویژگی بیرونی است (زیبیدی، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۳۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۹۴). اصطلاح اخلاق کاربردهای متعددی دارد؛ برخی از آنها عبارتند از: صفات راسخ نفسانی، تمام صفات نفسانی اعم از راسخ و غیرراسخ، صفات نفسانی و رفتارها، صفات نیک، رفتار نیک و... (مصباح، ۱۳۸۱، ص ۱۸۵). بر این اساس، برخی اخلاق را از سنخ اوصاف نفسانی و برخی آن را از سنخ رفتار دانسته‌اند. اما اخلاق در این نوشتار، معادل صفات درونی شخص خواهد بود که منشأ رفتارهای او و شامل صفات مثبت و منفی و پایدار و ناپایدار است. به این ترتیب، اخلاق شامل رفتار نمی‌شود، بلکه رفتار، ثمره اخلاق و در واقع، اخلاق منشأ رفتار است. تعاریف گوناگونی از اخلاق ارائه شده است. به طور کلی، می‌توان گفت: اخلاق، دستگاهی از عقاید جاری در جامعه، درباره منش و رفتار افراد بوده (اتکینسون، ۱۳۷۰، ص ۱۶) و سامانه‌ای است که بر پیروان خود حاکم می‌شود و رفتارهای آنان را در مسیری خاص هدایت می‌کند.

۲. هندوئیسم

«هندوئیسم»، آیین مردم هند است. این آیین، فاقد تعلیمی بنیادین است که تشکیل‌دهنده جوهره آن باشد و هیچ پیامبر قدسی و کتاب مقدسی ندارد (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۵۰). به ملاحظات مختلفی، می‌توان هندوان را موحد یا چندگانه‌پرست، معتقد به خدای شخصی، یا غیرشخصی و تنزیهی و یا تشبیهی دانست. به علت تسامح فراوان در این آیین، هر فرد برای هندو بودن، فقط کافی است در یک خانواده هندو متولد شده، از آن زمان تا هر گاه که رسماً گرویدن خود را به دین دیگری اعلام نکرده باشد، «هندو» به‌شمار آید. بنابراین، هیچ عقیده یا عمل خاصی موجب نمی‌شود که فرد، دیگر هندو به حساب نیاید. در این باره گفته‌اند: «خداپرست، بی‌خدا، شکاک و اگنوستیک اگر دستگاه فرهنگ و زندگی هندو را بپذیرند، همه هندو خواهند بود» (زاده‌اکریشن، ۱۹۲۷، ص ۸۸).

زیربنای اخلاقی این آیین نیز تکتیری تقریباً نامحدود است (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۴۱). اما تأکید هندوئیسم بیشتر بر عمل (درمه)

معادل کاست است. گویا در ابتدا تمایز طبقاتی در هندوئیسم، بر مبنای رنگ پوست بوده است؛ زیرا آریایی‌ها پوست روشن‌تر و بومیان هند پوستی تیره‌تر داشتند (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۴۴). درک این نکته که چرا اکنون این طبقه‌بندی، با اعتراض مردم و انقلاب هند، در محاق قرار گرفته است، به بررسی انتقادی و تحلیلی مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن نیاز دارد. این مقاله درصدد پرداختن به مراتب اخلاقی آئین هندو است.

۵. آشرمه

«آشرمه»، یعنی مرحله زندگی و منظور از آن، زندگی آرمانی چهار مرحله‌ای در هندوئیسم است (سن، ۱۹۶۹، ص ۲۲). این آموزه، که قدمت آن به ۵۰۰ سال پیش از میلاد برمی‌گردد، فقط به اعضای ذکور سه طبقه نخست (دویجه‌ها dvijas)، از چهار طبقه اجتماعی هندوها اختصاص دارد که بنا بر باور هندویی دو بار زاده می‌شوند. از این رو، این برنامه به طبقه چهارم، یعنی طبقه نجس‌ها تعلق ندارد. با توجه به نقش محوری آموزه آشرمه در این پژوهش، با تفصیل بیشتری به آن می‌پردازیم.

مراتب اخلاقی در هندوئیسم (آشرمه)

در آیین هندوئیسم، هر فرد مطابق با کاست خود، باید مراحل را طی کند که وظایف اخلاقی او شمرده می‌شود. اگرچه این الگوی اخلاقی مقدر، یک نظام قواعد لازم‌الاجرا نیست. در واقع، توصیه‌ای برای هندوان است که به آن عمل کنند (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۴۶)، اما از این جهت که این الگو، پیشنهاد آیین هندو برای زندگی بهتر است، شایسته بررسی و ارزیابی دقیق است. در این الگو، زندگی هر هندو، به چهار دوره یا مرحله تقسیم شده است که او باید وظایف اخلاقی هر دوره را انجام دهد:

۱. تحصیل دانش

این مرحله از ۸ تا ۱۲ سالگی آغاز می‌شود و به آن راه قدسی، دوره نظم و تربیت یا دوره کارشناسی (شارما، ۱۹۹۹، ص ۲۸) نیز می‌گویند. هر فرد، پس از پشت سر گذاشتن دوران کودکی، که مرحله‌ای از زندگی تلقی نمی‌شود، با رسیدن به سن ۸ تا ۱۲ سالگی، پس از جشن نخبندان، موظف است که خانه را در پی تحصیل دانش ترک کند تا تقریباً به سن ۲۴ سالگی برسد. در این دوره، دانش‌آموز، با فراگیری متون مقدس ودایی، یوگا و هنر، تحت نظر یک معلم و

است تا بر عقیده (همان، ص ۷۷). می‌توان گفت: درمه، عامل وحدت‌بخش آیین هندو است. هندوان معتقدند: انسان در چرخه‌ای از تولدها و مرگ‌های مکرر گرفتار است و تا به مکشه نرسیده، خود را از این چرخه رها نکند، باید رنج تناسخ را متحمل شود. برای رسیدن به نجات، سه راه در هندوئیسم وجود دارد: طریق عمل به وظایف و شعائر (کرْمه مارگه)، طریق معرفت و فهم اتحاد آتمن - برهمن (جْنا نه مارگه) و طریق دلدادگی (بْهکتی مارگه).

۳. درمه

«درمه»، واژه‌ای سانسکریت به معنای عدالت، وظیفه، حقیقت و آموزش و در واقع، به معنای عمل درست و شامل همه این معانی است (رادهاکریشن، ۱۹۲۷، ص ۷۷). درمه، وظیفه منظم فرد هندو است تا در هر شرایطی، به گونه‌ای عمل کند که عدالت تحقق یابد (همان، ص ۴۴). گفته شده درمه، معادل کلمه «تمدن» یا «درستکاری ملی» است (نیودیتا، ۱۹۱۵، ص ۵۱). هندوئیسم با ارائه قانون درمه، بر زندگی اخلاقی تأکید می‌کند (رادهاکریشن، ۱۹۲۷، ص ۷۷) و شادی و ثروت افراد را هنگامی مشروع می‌داند که از راه‌های موافق، با قانون درمه حاصل شده باشد (همان، ص ۸۰).

۴. کاست و ورنه

«کاست»، واژه‌ای پرتغالی به معنی نژاد است. کاست، به یک گروه اجتماعی موروثی و درون‌همسری هندو، مرکب از اشخاص دارای جایگاه اجتماعی و موقعیت اقتصادی یکسان اطلاق می‌شود که از گروه‌های اجتماعی دیگر، متمایز است (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۴۴) و حداقل تحرک اجتماعی را دارد. در نظام اجتماعی سنتی هند، چهار کاست یا طبقه وجود دارد: ۱. برهمن‌ها (طبقه روحانیان مذهبی)؛ ۲. کشتریه‌ها (جنگاوران)؛ ۳. ویشیه‌ها (تجار)؛ ۴. شودره‌ها (کسانی که حرفه‌های دستی دارند). البته گروه دیگری به نام «نجس»‌ها یا مطرودها نیز وجود دارند که در نظام طبقاتی هندو جایی ندارند و طبقات بالا، آنان را در وظایف پست و زننده به خدمت می‌گیرند. در این نظام، طبقات بالاتر برای ممانعت از ازدواج بین طبقاتی و جلوگیری از پیشرفت طبقات پایین به طبقات بالاتر تلاش می‌کنند (ویرسینگ، ۱۳۸۱، ص ۱۰۸ و ۱۰۹). «ورنه» نیز واژه‌ای سانسکریت، به معنای رنگ بوده (رادهاکریشن، ۱۹۲۷، ص ۹۵) و کاربرد آن

۴. ترک دنیا

مرحله آخر، مرحله ناسازگاری با زندگی مادی و جدایی هندو از آن است (هاوک، ۲۰۱۱، ص ۹۳). در این مرحله، پیرمرد هندو، باید مرتاض وار زندگی کند و «سانیاسی» (Sanyas)؛ یعنی تارک دنیا شود. او در این دوره، از تمام خواسته‌هایش چشم‌پوشی می‌کند: همسر، فرزندان و طبقه‌اش را رها می‌کند (رادهاکریشنان، ۱۹۲۷، ص ۹۰) و دیگر در هیچ کارخانه، یا نهاد اجتماعی یا سیاسی فعالیت نمی‌کند (همان، ص ۹۲)، بلکه با ترک دنیا و دریافت صدقه و استفاده از میوه‌های جنگل و رهایی از زندگی معمولی، وقت خود را صرف عبادت می‌کند. البته، مرحله چهارم عمدتاً آموزه‌ای آرمانی است تا عملی واجب یا همه‌گیر (ویرسینگ، ۱۳۸۱، ص ۱۱۴).

در هندوئیسم، هدف از مرحله جنگل‌نشینی و ترک دنیا، ایجاد یک تغییر ذهنی و توجه بیشتر به موضوعات معنوی و «مکشه»؛ یعنی رستگاری بیان شده است (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۴۶).

چالش‌های مراتب اخلاقی هندو

اینک، پس از آشنایی با الگوی اخلاقی هندوئیسم و مراتب چهارگانه آن، لازم است چالش‌هایی که این اصول، به طور جدی با آنها روبه‌روست و پذیرش آن را ناممکن می‌سازد، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. این چالش‌ها را می‌توان به چالش‌های درون‌آیینی و برون‌آیینی تقسیم کرد:

۱. چالش‌های درون‌آیینی

منظور از «چالش‌های درون‌آیینی»، ناسازگاری‌های درونی این الگو، یا ناسازگاری‌های میان آن و سایر آموزه‌های هندویی وجود دارد. دو مورد از این چالش‌ها، عبارت است از: منزلت زن و بعد اجتماعی هندوئیسم.

۱. منزلت زن: جدا از اینکه در آیین هندوئیسم، چه نگاه‌های متضادی به منزلت زن وجود دارد، می‌توان این نگاه متضاد را درون همین الگو مشاهده کرد. چنان‌که بیان شد، یکی از قوانین مذکور در اصول آشرمه، این است که زنان اجازه ورود به مرحله اول از این مراحل چهارگانه را نداشته، از دستیابی به کتاب‌های مقدس و برخوردارگی از تعلیمات رسمی منع می‌شوند (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۴۵)، درحالی‌که در مرحله دوم از همین مراحل، گفته می‌شود، این‌گونه نیست که مرد ارباب و زن برده او باشد (رادهاکریشنان،

معمولاً در آلونک‌های ساده‌ای در داخل جنگل و به دور از خانه، به تأدیب نفس، راستگویی، احترام به والدین، فراموش نکردن درمه در کارها و... ترغیب می‌شود (ویرسینگ، ۱۳۸۱، ص ۱۱۳ و ۱۱۴). گاه، این تعلیم منحصر به تعلیمات دینی نیست و آثاری در رشته‌های مانند دستور زبان، منطق، آواشناسی، حساب، مثلثات و جبر نیز توسط همین دانش‌آموختگان تولید شده است (سین، ۱۹۶۹، ص ۲۲). شودرها و زنان، اجازه ورود به این مرحله را ندارند و به‌این ترتیب، این دو گروه، از دستیابی به کتاب‌های مقدس و برخوردارگی از تعلیمات رسمی محروم شده‌اند (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۴۵). دلیل اصلی این محرومیت، ناپاکی آنان بیان شده است.

۲. خانه‌مندی

از ۲۴ تا ۳۲ سالگی، دوره تشکیل خانواده، یا دوره کار و خانه گفته می‌شود و مرد هندو در این مرحله، برای اعتلای روح خود باید ازدواج کند و «گری هستا»؛ یعنی مرد خانواده شود. وظایف فردی که در این مرتبه قرار دارد، عبارت است از: تولید نسل و حفظ و توسعه جامعه. مرد باید با رفتار صحیح، کسب ثروت، عشق و محبت به همسر و اعطای یک‌دهم دارایی‌اش به مؤسسات خیریه، مسیر کمال خود را بپیماید (ویرسینگ، ۱۳۸۱، ص ۱۱۴). در واقع، فرد در این مرحله، هم به دنبال کسب فضیلت است و هم در پی تولید غذا و ثروت به‌گونه‌ای که مهم‌ترین مرحله اجتماعی هندو، همین مرحله است (ویدجری، ۱۹۳۰، ص ۲۳۲-۲۴۵). این مرتبه، پایه سایر مراتب است و فرد را با زندگی اجتماعی پیوند می‌دهد (سین، ۱۹۶۹، ص ۲۳). زنان اجازه ورود به این مرحله را نیز ندارند.

۳. جنگل‌نشینی

از هنگامی که فرزندان قادر به مراقبت از والدین خود می‌شوند و مرد می‌بیند که نوه‌هایش به سن رشد رسیده‌اند، آهسته‌آهسته باید از حیات دنیوی فاصله بگیرد و مرتبه «ونپرسته»؛ یعنی جنگل‌نشینی را اختیار کند. این کار یا با حضور واقعی در مناطق آرام جنگل انجام و عبادت، یا با ماندن در خانه و عدم وابستگی به دنیا و خانواده انجام می‌شود (ویرسینگ، ۱۳۸۱، ص ۱۱۴). در این مرحله، فرد مسئولیت‌های خانوادگی را به نسل بعد تحویل می‌دهد. بیشتر نقش مشاوره‌ای ایفا می‌کند و خود از دنیا فاصله می‌گیرد (نوگتن، ۲۰۰۵، ص ۱۳-۲۱؛ تنج، ۲۰۱۴، ص ۳۴۶).

سوی او به‌هیچ‌وجه نوع‌دوستانه یا انسان‌دوستانه نیست، بلکه تنها برای خود اوست (بوکه، ۱۹۵۰، ص ۱۴۷). از این‌رو، اگرچه این مراتب اخلاقی، صرف شعار و مراتبی نمادین باشند، در جهت عکس، ادعای اول هندوئیسم مبنی بر اجتماعی بودن آن قرار دارند. این چالشی برای هندوئیسم در رابطه با اخلاق اجتماعی است.

۲. چالش‌های برون‌آیینی

منظور از «چالش‌های برون‌آیینی»، اشکالاتی است که با نگاه بیرونی به این آیین و بدون توجه به مقررات و آموزه‌های درونی آن به چشم می‌خورد. این چالش‌ها، عبارت است از: مبتنی بودن بر نظام کاستی، تمرکز صرف بر عمل با نادیده گرفتن حسن فاعلی، و عدم جامعیت:

۱. مبتنی بودن بر نظام کاستی: مبتنی بودن این مراتب بر نظام کاستی، یکی از چالش‌های موجود در هندوئیسم است. کاست، نوعی نظام اجتماعی است که در آن، مزایای اجتماعی بر اساس نقش‌های انتسابی توزیع می‌شود و بدون توجه به شایسته‌سالاری، به گونه‌ای انعطاف‌ناپذیر انتساب‌سالار است (گلد، ۱۳۷۸، ص ۴۱). این نظام، سال‌هاست که موجب تبعیض‌های ناروای اجتماعی شده و مشکلات متعددی را در رابطه با استیلاقی اقتصادی، امتیازات و محرومیت‌ها ایجاد کرده است. نظام کاستی، قرن‌ها شرایطی غیرانسانی و استثمار را بر برخی از طبقات مثل طبقهٔ نجس‌ها تحمیل کرده است که گاه، با هوشیاری طبقات پایین و توجه به شرایط اسفناکشان در جامعه، به شورش‌ها و جنبش‌های اصلاح‌طلبانه‌ای مردمی تبدیل شده است. از آن جمله، می‌توان به اعتراض‌های تحت رهبری امبدکار (امبدکار، ۲۰۰۹) و گاندی اشاره کرد (معینی‌فر، ۱۳۹۱، ص ۹۹). برخی از کاست‌های عادی، یا همان طبقهٔ نجس‌ها، هنوز از اجازهٔ دسترسی به معابد، قهوه‌خانه‌ها، چاه‌های آب عمومی و حتی شیرهای آب محروم و در آرزوی داشتن شغل‌های آبرومند هستند (جمشیدی بروجردی، ۱۳۷۹، ص ۴۷). تنها خواستهٔ آنان، این است که مانند انسان با آنها برخورد شود. از زمین‌هایشان رانده نشوند. دستمزدهای عادلانه دریافت کنند. بچه‌هایشان آموزش ببینند و قدرت تصمیم‌گیری اجتماعی داشته باشند (معینی‌فر، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰). این نظام، که از موضوعات چالش‌برانگیز در هندوئیسم است، همواره احساس‌های موافق و مخالفی را برانگیخته و چندین کتاب مقدس کهن، تقسیمات کاست را نپذیرفته‌اند (سن، ۱۳۷۵، ص ۳۵).

۱۹۲۷، ص ۸۴)، بلکه زن نیمهٔ دوم شوهرش است؛ هیچ مردی نمی‌تواند بدون شرکت همسرش آیین مذهبی را انجام دهد و مرد موظف است با فراهم کردن نیازهایی چون خانه، مایهٔ خوشی و شادی همسرش باشد (ویرسینگ، ۱۳۸۱، ص ۱۱۴). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تفاوت آشکاری در نوع نگاه این الگوی اخلاقی به زنان وجود دارد: از یک‌سو، برای زن حتی شأنیت فراگیری تعلیمات رسمی آیین هندو در نظر گرفته نمی‌شود؛ فقط به مردان حق ورود به مرحلهٔ آموزش داده می‌شود. از سوی دیگر، زن نیمهٔ دوم شوهر و لازمهٔ کمال او معرفی می‌شود و حضورش شرط قبولی انجام آیین مذهبی توسط مرد است. بی‌شک این موارد، منزلتی خاص برای زن به‌شمار می‌آید. به واقع، اگر زن چنین نقش مهمی در خانواده و در قبال شوهر دارد، محروم کردن او از کسب معارف دینی‌اش و از جمله فراگیری همین آموزه، که یکی از آموزه‌های دینی است، چه توجیهی می‌تواند داشته باشد؟!.

۲. بعد اجتماعی هندوئیسم: گفته می‌شود که هندوئیسم به زندگی اجتماعی تشویق می‌کند و برای این نظام اجتماعی نیز برنامه‌های مشخصی دارد. برای مثال، در هندوئیسم، وجود راجا (پادشاه) برای حفظ نظم اجتماعی ضروری است (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۵۳). همچنین، در تأیید این ادعا گفته می‌شود، در شعر هشتم از درس سوم به‌گود گیتا آمده است: «کار کردن به از کار نکردن است، چه حتی سلامت تن، بی‌کار کردن میسر نگردد» (موحد، ۱۳۸۵، ص ۸۴). اما با وجود این ادعا، که هندوئیسم بر جنبهٔ اجتماعی و ارزش یک زندگی فعال تأکید دارد (سن، ۱۹۶۹، ص ۲۲)، به نظر می‌رسد روح مراتب اخلاقی هندو، کاملاً عکس این مطلب بوده و نوعی تشویق فرد به زندگی فردی و دوری‌گزیدن از اجتماع است (رادهاکریشنان، ۱۹۲۷، ص ۹۱)؛ چراکه در سه مرحله از این مراحل، فرد تشویق به انزوا و کناره‌گیری از جامعه می‌شود. در دورهٔ اول، معمولاً در آلونک‌های ساده‌ای در داخل جنگل و به دور از خانه درس می‌خواند. در دورهٔ سوم، از حیات دنیوی فاصله می‌گیرد و جنگل‌نشینی را اختیار می‌کند و در دورهٔ چهارم، به صورت کامل‌تری همسر، فرزندان و طبقه‌اش را رها کرده، و تارک دنیا می‌شود. تنها در دورهٔ دوم است که مسئولیت همسر و فرزندان، به دوش فرد نهاده شده است. برخی در این‌باره گفته‌اند: مرتاضی که از جهان رو برگردانده، نمونه‌ای کاملاً ستوده شده است. این ترک خانمان از

منصفانه است، برای حل این معضل، دست به دامن نظام پیچیده هندو شده‌اند و آن را در دستگاه پیچیده هندوئیسم قابل توجیه خوانده، در راستای رهیدن از پندار «من» و «ما» ارزیابی کرده‌اند. برای نمونه، گفته شده است: «در دستگاه پیچیده ارزش‌های هندو، خود را در خدمت به دیگران فراموش کردن، کمتر از ترک خانمان اصلی نیست» (سین، ۱۹۶۹، ص ۲۴).

در هندوئیسم شواهدی بر سازگاری روح مراتب چهارگانه با اصلی پذیرفته شده در اخلاق هندو، یعنی فراموشی «من» وجود دارد. برای نمونه، در شعر ۷۱ از درس دوم قانون‌نامه اصلی دینی، سلوک هندو، یعنی به‌گود گیتا آمده است: «هردی که از بند آرزو آزاد است و از خواهش‌ها رسته و از «من» و «مال من» گذشته، چنین کسی آرام جان یابد» (موحد، ۱۳۸۵، ص ۸۱). همچنین، گفته شده است: این ترک خانمان به معنای دوری کردن از دنیای بیرونی نیست، بلکه در راستای به دست آوردن آزادی معنوی برای جبران دورانی است که پرداختن به دنیا، مجال کافی را برای پرداختن به امور معنوی به فرد نمی‌داد (رادهاکریشن، ۱۹۲۷، ص ۹۰). عده‌ای نیز این عمل را به رهبانیت در مسیحیت و یهودیت تشبیه کرده‌اند و آن را از جهاتی برتر دانسته‌اند (همان، ص ۹۲). به نظر می‌رسد، به‌رغم وجود این سازواری‌های آموزه‌ای، همچنان نوعی ناسازگاری طبیعی بین این آموزه و اجتماعی بودن انسان مشاهده می‌شود و با وجود ارزش‌های کلی اخلاق هندو، مانند راستگویی و مهربانی، اشکال مذکور همچنان باقی می‌ماند. توصیه به کناره‌گیری از دنیا و اجتماع، با ادعای اجتماعی بودن اخلاق هندو، ناسازگاری آشکاری دارد. در واقع، سازگاری این آموزه، با برخی آموزه‌های دیگر این آیین یا ادیان دیگر، نمی‌تواند توجیه مناسبی برای رفع ناسازگاری آن با طبیعت اجتماعی انسان و ادعای اجتماعی بودن هندوئیسم باشد. از این رو، یا باید این آموزه را مخدوش دانست، یا طبیعت اجتماعی انسان و ادعای اجتماعی بودن آیین هندو را.

دیدگاه اسلام درباره مؤلفه‌های موجود در مراتب اخلاقی هندو

اسلام هیچ‌یک از تکالیف اخلاقی را به دوره‌ای از عمر اختصاص نداده است. برای نمونه، نگفته است در کودکی آموزش ببین، در جوانی کار کن، در میان‌سالی لذت ببر و در پیری، به عبادت خدا

الگوی اخلاقی آشرمه، که بر چنین نظامی مبتنی شده است و شوره‌ها و زنان را به بهانه ناپاکی‌شان، از دسترسی به بعضی از این مراتب اخلاقی محروم می‌کند و به این ترتیب، به الگویی غیرفراگیر تبدیل می‌شود. درحالی که یک الگوی اخلاقی، زمانی جامع و قابل پذیرش خواهد بود که بتواند برای همگان قابل اخذ و اجرا باشد.

۲. نادیده گرفتن حسن فاعلی: یکی از مشکلات اخلاق هندویی، تأکید انحصاری آن بر عمل (درمه) و نادیده گرفتن نیت و قصد انسان است (رادهاکریشن، ۱۹۲۷، ص ۷۷). نمی‌توان پذیرفت، هر عمل نیکی که از هر شخصی صادر می‌شود، مستلزم مدح و ستایش آن فرد باشد. برای نمونه، نمی‌توان فردی را که با نیت سوئی، دست به کاری می‌زند، ولی ناخواسته، آنچه را که در نیت داشته محقق نشده و خلاف آن توسط او انجام می‌شود، تمجید کرد و او را فردی اخلاقی دانست، بلکه زمانی می‌توان کاری را اخلاقی دانست که هم خود آن کار دارای حسن باشد و هم با نیت پاک و خوبی انجام شده باشد. در واقع، حسن فعلی و حسن فاعلی، دو رکن برای اخلاقی نامیدن امور هستند که نباید از هیچ کدام از آن دو غفلت شود (مصباح، ۱۳۸۴، ص ۳۶).

۳. عدم جامعیت: چالش دیگر این الگو، عدم جامعیت و فقدان توجه آن، به بعد اجتماعی انسان است. انسان برای ادامه حیات و گذران زندگی خود، ناگزیر باید با اعضای جامعه در ارتباط باشد و پیشرفت و ترقی جامعه، وابسته به فعالیت و مشارکت اعضای جامعه در نقش‌های گوناگون اجتماعی است. یک الگوی اخلاقی، باید این روابط را نیز سامان دهد. از این رو، شیوه صحیح اصلاح اخلاق افراد، این نیست که صورت مسئله را پاک کرده، اصل موضوع نادیده گرفته شود و با دعوت به انزوا، افراد از مشارکت اجتماعی برحذر داشته شوند. شیوه توصیه به انزوا و ترک دنیا، به قدری ناموجه است که حتی در جامعه هندوان نیز مرتبه سوم و چهارم از مراتب چهارگانه اخلاقی؛ یعنی مرحله جنگل‌نشینی و ترک دنیا، عملاً انجام نمی‌شود. هندوها، این دو مرحله اخیر را بیشتر به صورت قلبی و باطنی انجام می‌دهند، نه آنکه واقعاً در عمل نیز مراعات کنند؛ مگر در میان برخی از طبقه روحانیان (براهمین‌ها)، که قادرند گوشه خلوتی برای دوران پایانی عمر خود فراهم آورند.

برخی در پاسخ به این چالش، که مراتب اخلاقی هندوئیسم با اخلاق اجتماعی سازگار نیست، با اعتراف به اینکه این نقد تا حدی

اسلام با این اندیشه نیز موافق نیست که دوره‌ای به کار اختصاص یابد و در آن دوره، ذمه فرد از انجام عبادات و پرداختن به معنویات مبرا باشد. اسلام، از این حالت به «حرص» تعبیر و مسلمانان را از آن نهی می‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «تلاش تو در راه کسب معاش باید برتر از عمل فردی باشد که در اثر سستی، حق کار را ضایع می‌کند و کمتر از میزان کسب فرد حریصی باشد که فقط به دنیای خویش دلگرم و مسرور است و به دنیای خود تکیه کرده و بدان آرام می‌گیرد» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶ ص ۳۲۲). می‌توان از این موضع اسلام، به «دوام و اعتدال در کار» تعبیر کرد.

۳. جنگل‌نشینی و ترک دنیا

در اسلام، از ترک دنیا و مردم برای عبادت، به «رهبانیت» تعبیر می‌شود. در قرآن آمده است که این کار، بدعتی در دین بوده و هرگز خداوند چنین چیزی را از انسان‌ها نخواست است (حدید: ۲۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۱۷۳). از دیدگاه اسلام، کار عین عبادت است؛ لازم نیست به بهانه عبادت، در مقطعی از عمر، دست از کار و زندگی کشیده و روش رهبانیت در پیش گرفته شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «عبادت هفتاد جزء دارد که بافضیلت‌ترین آنها، کار و کوشش برای به دست آوردن روزی حلال است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۲۱). این موضع را می‌توان در سیره معصومان علیهم السلام، که بالاترین درجه معنوی را دارند، آشکارا ملاحظه کرد. در روایتی از امام کاظم علیه السلام نقل شده است: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام و پدران بزرگوارم کسانی بودند که با دست‌های خود کار می‌کردند و کار و کارگری، سیره انبیاء و صالحان بوده است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۸، ص ۱۱۵).

اسلام رتبه معنوی کسی را که به هر دو بعد مادی و معنوی‌اش توجه کند، بالاتر از رتبه کسی می‌داند که خود را وقف عبادت کرده، از دنیایش دوری گزیده است. در روایتی آمده است: دو نفر از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله درحالی که یکی از برادران خود را بر دوش می‌کشید، بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدند. حضرت حال آن شخص را پرسید. عرض کردند: از هیچ نمازی خارج نمی‌شود، مگر اینکه روز دیگری دیگر می‌شود و هیچ روزهای افطار نمی‌کند، مگر اینکه روز دیگری را روزه می‌گیرد. اکنون حالش همین‌طور است که مشاهده می‌کنید. حضرت فرمود: پس چه کسی شترش را می‌چرخاند و چه کسی برای اداره خانواده‌اش کار و تلاش

روی آور؛ بلکه در اسلام، تعلیم و تعلم، عبادت، کار، معاشرت و لذت و تفریح در همه دوره‌های زندگی نیازی دائمی، فراگیر و ضروری دانسته شده است. البته در این الگو، توجه و توصیه به این امور، به تناسب سن و توانایی‌های افراد انجام می‌شود؛ این‌گونه نیست که شدت و تأکید توصیه‌های اخلاقی در یک موضوع، برای کودک و بزرگسال و ضعیف و قوی به یک میزان باشد. برای روشن‌تر شدن مطلب، به اختصار، مروری مقایسه‌ای بر دیدگاه اسلام نسبت به مراتب تعیین‌شده در هندوئیسم خواهیم داشت:

۱. آموزش

رویکرد اسلام به موضوع علم و علم‌آموزی، رویکردی فراگیر و حداکثری است؛ زمان و جنسیت در آن مدخلیتی ندارد. از یک‌سو، اسلام، تحصیل دانش را محدود به زمان یا دوره خاصی از عمر نمی‌کند، بلکه با رد تعیین حد و مرز برای فراگیری دانش، به مسلمانان توصیه می‌کند در همه عمر خود، مسیر کسب علم و معرفت را پیمایند و از آن غافل نشوند. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «از گهواره تا گور دانش بجویید» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۱۸). از سوی دیگر مسئله جنسیتی را نیز مانع کسب علم نمی‌داند و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «فراگیری علم، بر هر زن و مرد مسلمان واجب است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۷۷). در واقع، بدون توجه به موقعیت فردی و اجتماعی افراد و قرار دادن آنان در طبقات خاص اجتماعی، همه مسلمانان را از هر قشری، به کسب علم فرا می‌خواند و همگان را شایسته تکامل از طریق علم‌آموزی می‌داند.

۲. کار و خانواده

در باب کار نیز اسلام توصیه‌های عامی دارد؛ بدون تعیین حد و مرزی خاص، مسلمانان را دعوت به کار و تلاش برای کسب معاش می‌کند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «کسی که برای به دست آوردن هزینه خانواده‌اش تلاش می‌کند، مانند مجاهد در راه خداست» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۸۸). اسلام با رد معنویت‌گرایی افراطی و رهبانیت از یک‌سو، و عدم پذیرش دنیاگرایی افراطی از سوی دیگر، موضعی اعتدالی برمی‌گزیند و با یادآوری مقدر بودن روزی از جانب خدا (هود: ۶؛ ذاریات: ۵۸)، لزوم تلاش برای رسیدن به آن روزی مقدر، افراد را از سستی و کسالت بازداشته و به کار و فعالیت دعوت می‌کند.

می‌کند؟ عرض کردند: ما متحمل کارهای او هستیم. حضرت فرمود: شما از او برتر هستید (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۱۷).

افزون بر این، معصومان علیهم‌السلام از تارک دنیا بیزاری جسته‌اند. اسلام کاملاً در جهت عکس هندوئیسم، به جای تمجید از ترک کار و دریافت صدقه، شخصی را که بیکار می‌نشیند و بار زندگی خود را به دوش دیگران می‌اندازد، لعنت کرده است (این شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۷). بیکاری را عاملی خطرناک برای حیات معنوی و سعادت فرد می‌داند. در روایتی آمده است: «سیره رسول‌الله این بود که هرگاه به مردی نگاه می‌کرد و از لحاظ جسمی نظر او را جلب می‌نمود، سؤال می‌فرمود: آیا شغل و حرفه‌ای دارد؟ اگر در پاسخ می‌گفتند: شغلی ندارد، می‌فرمود: از چشمم افتاد. عرض می‌شد: چگونه شخصیت او در نظر شما تنزل کرد؟ می‌فرمود: آن‌گاه که مؤمنی، دارای شغل و حرفه‌ای نباشد، برای تأمین مخارج زندگی خود، دینش را می‌فروشد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۳، ص ۹). امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «من نفرت دارم از مردی که در کار دنیاپاش بی‌حال و سست باشد؛ چراکه هر کسی در امر دنیاپاش سست باشد، در کار آخرتش سست‌تر است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۸۵).

از منظر اسلام، فرد نباید همسر و فرزندان خود را به بهانه عبادت رها کند و از کار و مشارکت در نهادهای اجتماعی، یا سیاسی دست بکشد. اسلام می‌گوید: بهترین راه رسیدن به مراتب بالای معنوی و اخلاقی، زندگی در دنیا، بهره‌برداری صحیح از آن و انجام اعمال نیک و تکالیف مربوط به شئون مختلف دنیایی است. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره فرموده‌اند: «به دنیا ناسزا مگویید؛ چراکه دنیا خوب مرکبی برای انسان است، پس انسان با آن به خوبی‌ها دست می‌یابد و به وسیله آن از بدی نجات می‌یابد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۴، ص ۱۸۰).

اسلام و ارائه مراتب اخلاقی صحیح

افزون بر اینکه، مراتب اخلاقی هندوئیسم مورد قبول دین مبین اسلام قرار نگرفته است، رتبه‌بندی دیگری که نظیر اصول آشرمه باشد نیز در اسلام یافت نمی‌شود. اساساً اسلام اصول اخلاقی را کلی، فراگیر و قابل اجرا برای همگان در همه زمان‌ها و مکان‌ها می‌داند (مصباح، ۱۳۸۴، ص ۳۵۲). البته این بدان معنا نیست که از کودک، جوان، میانسال و کهنسال به یک اندازه انتظار رود، دستورات اخلاقی را اجرا کنند. اسلام نه تنها در اخلاقیات، بلکه در شریعت نیز توان و ظرفیت افراد را در نظر می‌گیرد. در قرآن کریم آمده است:

«خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش مکلف نمی‌سازد» (بقره: ۲۸۶). امام صادق علیه‌السلام با بیان داستان نصرانی تازه مسلمان و سخت‌گیری همسایه مسلمانش بر او، که موجب خروج آن فرد از اسلام شد، فرمودند: «بر مردم تنگ‌گیرید؛ اندازه و طاقت و توانایی مردم را در نظر بگیرید» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۹۴).

از نگاه اسلام، دارای مراتب بودن ارزش‌های اخلاقی به این معناست که ارزش‌ها و اصول اخلاقی، با وجود ثابت و عام بودن برای همگان، از نظر کیفیت، دارای قوس صعود و نزول است (مصباح، ۱۳۸۴، ص ۳۵۶). برخی فقط برای پاسخ دادن به ندای وجدان، کاری را انجام می‌دهند. برخی افزون بر این، ارضای عواطف خود را نیز مورد توجه قرار می‌دهند، برخی بدون توجه به این موارد و فقط برای انجام تکلیف، کاری را انجام می‌دهند و... در اسلام، هریک از این شرایط، مرحله‌ای اخلاقی به حساب می‌آیند که دارای ارزشی خاص هستند. در نهایت، با پذیرش مختلف بودن مراحل ارزش‌های اخلاقی، بر این نکته تأکید می‌شود که دسترسی به بعضی از این مراحل، برای عموم مردم میسر است. اما با بالاتر رفتن مراحل، افراد کمتری یافت می‌شوند که در آن سطح، توانایی انجام امور اخلاقی را داشته باشند (همان، ص ۳۵۶).

البته، رتبه‌بندی اخلاقی هندوئیسم، برنامه‌ای است تا فرد را ملزم سازد که به ابعاد مختلف زندگی؛ یعنی کسب علم، توجه به خانواده، کار و عبادت توجه کند. از این رو، برخی گفته‌اند که هر یک از مراحل چهارگانه اخلاقی هندوئیسم در وقت خود ارزشمند هستند و نباید از آنها بی‌نیازی جست (رادهاکریشنان، ۱۹۲۷، ص ۹۱). اما اسلام می‌گوید: مقرر کردن اوقاتی برای عبادت، منافاتی با زندگی دنیایی انسان ندارند (مصباح، ۱۳۸۴، ص ۳۵۲). مشکل اصلی اصول آشرمه، این است که فرد را هنگام پرداختن به یکی از وظایف، از مسئولیت‌های دیگر معاف دانسته، یا حتی بر حذر می‌دارد. اما اسلام، با توجه به این کاستی بزرگ، انسان را مسئول همه این امور دانسته، از او می‌خواهد که همزمان به همه آنها توجه داشته باشد. از این رو، در برخی از روایات، از مسلمانان خواسته شده است که ساعات روزانه خود را تقسیم نموده، اوقاتی را به هر یک از این ابعاد ضروری زندگی اختصاص دهند. از جمله، در روایتی از امام کاظم علیه‌السلام نقل شده است:

بکشید که زمان‌تان را به چهار بخش تقسیم کنید: ساعتی برای

مناجات با خدا، ساعتی برای امر زندگی، ساعتی برای همشینی با

اسلام، علاوه بر توجه به همهٔ ابعاد مورد توجه هندوئیسم، الگویی اخلاقی را ارائه می‌کند که مزیت‌های مهمی نسبت به آن دارد. اسلام به رغم توجه به ضرورت تحصیل دانش، توجه به خانواده، کار و عبادت، توصیه می‌کند که هم امور دیگری که از نیازهای ضروری انسان هستند، مانند همشینی با انسان‌های صالح و بهره‌گیری از نظرات آنان، برای اصلاح خویش و اختصاص دادن اوقاتی برای رفع خستگی و تفریح سالم، در کنار موارد مذکور، مورد توجه قرار بگیرد و هم به گونه‌ای عمل شود که مجموع این ابعاد، به صورت همزمان در برنامه‌ریزی‌های فرد گنجانده شود و او به گونه‌ای کارهایش را تنظیم کند که بتواند روزانه زمانی را به هر یک از این امور اختصاص دهد. با این روش، می‌توان الگوی اخلاقی فراگیر و عامی ارائه داد. از دیگر مزیت‌های الگوی اخلاقی اسلام، حفظ انسجام درونی و توجه به حسن فاعلی در کنار حسن فعلی است. در نگاه اسلامی، با حفظ ویژگی‌های مثبت الگوی هندوئیسم و رفع نواقص آن، الگویی برتر با قابلیت اجرای بیشتر ارائه می‌شود که هم تبعیض جای خود را به برابری دهد و هم در مکان‌ها و زمان‌های مختلف برای همگان قابل اجرا باشد. در این الگو، ظرافت‌هایی چون توجه به توان و ظرفیت‌های جنسیتی و سنی افراد، هم به خوبی لحاظ شده است. همچنین، به جای روگرداندن از دنیا و مادیات، از آن به عنوان ابزار ایجاد یک زندگی شرافتمندانه و مقدمه‌ای برای رسیدن به نجات و رستگاری استفاده شده است. در واقع، اسلام به رغم پذیرش مراتب اخلاقی، مرتبه‌بندی هندویی را ناموجه دانسته، مرادش از مراتب اخلاقی را سطح‌بندی کیفی ارزش‌های اخلاقی می‌داند که گاه، برای عموم مردم قابل دسترس است و گاه، به خاطر بالا بودن سطح اخلاقی بودن کار و پایین بودن توان و ظرفیت بعضی از افراد، عدهٔ خاصی می‌توانند وظایف و امور مربوط به آن مراتب را انجام دهند.

برادران و معتمدانی که عیب‌های شما را به شما بشناسانند و در باطن به شما اخلاص داشته باشند، و ساعتی برای پرداختن به لذت‌هایی که حرام نباشد (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۰۲).

در این روایت، امام کاظم علیه السلام با یک برنامه‌ریزی جامع، به جای قسمت‌بندی ناموجه عمر، ساعات روز را به گونه‌ای تقسیم کرده‌اند که در هر روز، همهٔ نیازهای فرد و جامعه مورد توجه قرار گیرد. همچنین، در الگوی اسلامی، به بعضی از جوانبی که در اصول آشرمه مورد غفلت قرار گرفته است، پرداخته شده است. در اسلام، تمامی ارتباطات مناسب و مفید از قبیل ارتباط انسان با خدا، خلق، خود، خانواده، جامعه و حتی روابط بین‌الملل، ارزش‌های ثابت و معینی دارد (مصباح، ۱۳۸۴، ص ۳۵۲). از این رو، در روایت امام کاظم علیه السلام به مواردی چون همشینی با افراد صالح و اختصاص زمانی برای تفریح و رفع خستگی نیز اشاره شده است. این الگو، همهٔ اقشار را زیر چتر خویش قرار می‌دهد؛ هیچ فرد یا گروهی اعم از زن و مرد، کوچک و بزرگ یا ... را از عمل به اصول پذیرفته‌شدهٔ اخلاقی محروم نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

اصول آشرمه، یا همان مراتب چهارگانهٔ اخلاقی هندوئیسم، با تقسیم سال‌های عمر یک انسان به چهار قسمت، وظایفی را در هر یک از این دوره‌های زندگی، برای فرد معین کرده، او را به تمرکز در آن وظیفه و اجتناب از انجام وظایف مربوط به مراتب دیگر توصیه می‌کند. مطابق با این دستورالعمل، هر فرد هندو از سن ۸ تا ۱۲ سالگی وارد مرحلهٔ تحصیل دانش می‌شود؛ از ۲۴ تا ۳۲ سالگی با ورود به مرحلهٔ خانه‌مندی به تشکیل خانواده و کار می‌پردازد، سپس با رشد فرزندان و آمادگی آنها برای مراقبت از والدین، دورهٔ جنگل‌نشینی را آغاز می‌کنند. در نهایت، با رسیدن به سن پیری تارک دنیا می‌شود. این الگوی اخلاقی، که مبتنی بر نظام ناعادلانهٔ ورنه و کاست است، ورود برخی از جنسیت‌ها و اقشار به بعضی از این مراتب را ناممکن می‌سازد. مشکل بزرگ این الگو، ناسازگاری‌های درونی آن، مانند داشتن نگاه متضاد به منزلت زن و صیغهٔ اجتماعی هندوئیسم و همچنین، ناموجه بودنش در نگاه بیرونی، به خاطر ابتناء آن بر نظام کاستی، مخالفت با بعداجتماعی انسان، و عدم جامعیت است. همچنین، از آنجا که این الگو نتوانسته است، همزمان به نیازهای مختلف انسان توجه کند، دچار خلأ و نقصانی بزرگ است.

ملایری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

Ambedkar, B.R., 2009, *Caste Sistem in India*, New Dehli, Amrit Book Co.

Bhawuk, Dharm. Presents, 2011, *The Paths of Bondage and Liberation, in Spirituality and Indian Psychology*, New York, British, Springer.

Bouquet, A. C., 1950, *Hinduism*, London, Chambers's Encyclopedia.

Nivedita, Sister, 1915, *Religion and Dharma*, London, Peternoster Row.

Nugteren, Albertina, 2005, *Belief, Bounty, And Beauty: Rituals Around Sacred Trees in India*, Boston, Brill Academic.

Radhakrishnan, Sarvepalli, 1927, *The Hindu view of life*, london, George Allen & Unwin.

Renou, Louis, 1962, *Hinduism*, New York, George Braziller.

Sen, Kshitimohan M, 1969, *Hinduism*, New York, Penguin Books.

Sharma, Rajendra Kumar, 1999, *Indian Society, Institutions and Change*, New Delhi, Atlantic.

Tench, Ralph and Sun, William, 2014, *Communicating Corporate Social Responsibility: Perspectives and Practice*, EMERALD.

Widery, Alban, 1930, *The Principles of Hindu Ethics*, International Journal of Ethics.

.....منابع

ابن شعبه حرانی، حسن بن محمد، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین.
ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۶ق، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
اتکینسون، آر. اف.، ۱۳۷۰، *درآمدی به فلسفه اخلاق*، ترجمه سهراب علوی‌نیا، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب.

پاینده، ابو القاسم، ۱۳۸۲، *نهج الفصاحه*، تهران، دنیای دانش.
جمشیدی بروجردی، محمدتقی، ۱۳۷۹، *ملی‌گرایی هندو*، تهران، وزارت امور خارجه.

حراعلی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت.
زیبیدی، محمد مرتضی، بی‌تا، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار مکتبه الحیاء.

سن، ک.م، ۱۳۷۵، *هندوئیسم*، ترجمه ع. پاشایی، تهران، فکر روز.
طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۵، *التهذیب*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
گلد، دانیل، ۱۳۷۸، *هندوئیسم سازمان یافته*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، هرمس.

مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ق، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۱، *فلسفه اخلاق*، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، تهران، نشر بین‌الملل.

مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۴، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)
معینی فر، حشمت‌السادات، ۱۳۹۱، «بررسی ریشه‌های نظام کاست در هند»، *مطالعات تشبه قاره*، ش ۱۰، ص ۱۰۸-۹۱.

منسکی، ورنر و دیگران، ۱۳۹۳، *اخلاق در تئوس دین جهان*، ترجمه محمد حسین وقار، تهران، اطلاعات.

موحد، محمد علی، ۱۳۸۵، *گیتا (به‌گونه گیتا)*، تهران، خوارزمی.
نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت.
ویرسینک، دارام، ۱۳۸۱، *آشنایی با هندوئیسم*، ترجمه سید مرتضی موسوی